148793 ـ تفاوت میان اسلام و ایمان

سوال

الله تعالی در سورۀ ذاریات (آیات ۳۵ و ۳۶) می‌فرماید: فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم). چه تفاوتی میان مومنان و مسلمانان است؟ کدام یک مقامش والاتر است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

تفاوت میان اسلام و ایمان از مسائلی است که علما در کتب عقاید به تفصیل درباره‌اش سخن گفته‌اند و خلاصۀ سخنشان چنین است که: هرگاه این یکی از این دو لفظ به صورت جداگانه بیاید منظور از آن همۀ دین اسلام است که در این حالت اسلام و ایمان یکی است.

اما اگر این دو لفظ در یک سیاق بیاید در این حالت منظور از ایمان اعمال درونی است یعنی اعمال قلوب مانند ایمان به الله تعالی و دوست داشتن او و خوف و امید او و اخلاص برای او.

اما منظور از اسلام اعمال ظاهری است که ممکن است ایمان قلبی نیز همراه آن باشد یا نباشد و صاحبش منافق یا مسلمان ضعیف الایمان باشد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اسم ایمان گاه به تنهایی و بدون همراهی با اسم اسلام و عمل صالح و غیر آن می‌آید و گاه نیز همراه با اسلام می‌آید مانند آنچه در حدیث جبرئیل آمده که اسلام چیست؟ و ایمان چیست؟ و مانند سخن الله تعالی که: إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ [احزاب: ۳۵] و آنجا که می‌فرماید: قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ [حجرات: ۱۴] (بادیه‌نشینان گفتند که ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده است) و این سخن حق تعالی که می‌فرماید: فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ [ذاریات: ۳۵ ـ ۳۶] (پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم).

بنابراین هرگاه ایمان همراه با اسلام ذکر شود: اسلام به معنای اعمال آشکار مانند شهادتین و نماز و زکات و روزه و حج است و ایمان به معنای باور قلبی از جمله ایمان به الله و ملائکه و کتاب‌ها و پیامبران و آخرت است.

و هرگاه نام ایمان به صورت مجرد بیاید، اسلام و اعمال صالح نیز در آن داخل خواهد بود مانند این سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ در حدیث شعبه‌های ایمان که: ایمان هفتاد و چند شعبه است؛ بالاترینش گفتن لا اله الا الله و پایین‌ترین آن برداشتن آزار و اذیت از سر راه است.

همینطور دیگر احادیثی که اعمال نیک را از جملهٔ ایمان دانسته است» (مجموع الفتاوی: ۷/ ۱۳ ـ ۱۵).

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «هرگاه یکی از این دو همراه دیگری بیاید، اینجا اسلام به معنای تسلیم ظاهری یعنی گفتن زبانی و عمل اعضا تفسیر می‌شود که از مومن کامل و شخص ضعیف الایمان نیز صادر می‌شود. الله تعالی می‌فرماید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ [حجرات: ۱۴]

(بادیه‌نشینان گفتند که ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده است).

و همچنین [اعمال ظاهر] از منافق نیز سر می‌زند اما او در ظاهر مسلمان نامیده می‌شود ولی در باطن کافر است.

و ایمان به معنای تسلیم باطنی که همان اقرار و عمل قلب است تفسیر می‌شود که این جز از مومن سر نمی‌زند، چنانکه الله تعالی می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳) أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ [انفال: ۲ ـ ۴]

(مومنان همان کسانی هستند که هرگاه الله یاد شود دلهایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند (۲) همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (۳) آنان هستند که در حقیقت مومنند. برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود).

بر اساس این معنا، ایمان برتر است، در نتیجه هر مومنی مسلمان هم هست، نه بر عکس» (مجموع فتاوی ورسائل ابن عثیمین: ۴/ ۹۲).

آیه‌ای که در سوال مطرح شده موافق با همین معناست که در وصف خانوادهٔ لوط علیه السلام یک بار از وصف ایمان و بار دیگر از وصف اسلام استفاده شده است.

اینجا منظور از اسلام، همان اسلام ظاهر و منظور از ایمان، ایمان قلبی حقیقی است. هنگامی که الله متعال اهل بیت ایشان را توصیف نمود همه را به اسلام توصیف نمود زیرا زن لوط علیه السلام از اهل بیت او بود که در ظاهر مسلمان و در حقیقت کافر بود و هنگامی که الله تعالی کسانی را که از آنجا خارج شدند و نجات یافتند ذکر نمود آنان را به وصف ایمان نام برد:

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ [ذاریات: ۳۵ ـ ۳۶]

(پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم).

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

زن لوط منافق و در باطن کافر بود و در ظاهر و همراه شوهرش مسلمان، برای همین همراه قومش عذاب شد. این حال منافقانی است که همراه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ بودند و در ظاهر تسلیم بوده و در باطن مومن نبودند (جامع المسائل: ۶/ ۲۲۱).

وی ـ رحمه الله ـ همچنین می‌گوید:

«و گروهی از مردم گمان کردند که بر مبنای این آیه مسمای ایمان و اسلام یکی است... حال آنکه چنین نیست؛ بلکه این آیه موافق با آیهٔ نخست است؛ زیرا الله خبر داده که هرکه مومن بوده را از آنجا بیرون آورده و جز خانواده‌ای از مسلمانان در آنجا نیافته؛ زیرا زن لوط در میان اهل بیتی بود که آنجا بودند و از کسانی نبود که بیرون آمده و نجات یافتند، بلکه از بازماندگانی بود که در عذاب باقی ماندند. او در ظاهر همراه با همسرش بر دین او بود و در باطن همراه قومش و بر دین آنان و خائن نسبت به همسرش بود و قومش را به سوی مهمانان همسرش راهنمایی می‌کرد، همانطور که الله تعالی می‌فرماید:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا [تحریم: ۱۰]

(الله برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایستهٔ ما بودند و به آنها خیانت کردند).

و این خیانت در دین بود نه در بستر و منظور آن است که زن لوط مومن نبود و از نجات یافتگان بیرون آمده نیز نبود و در این سخن الله متعال جای نگرفت که: فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و از اهل بیت مسلمان (تسلیم شده در ظاهر) بود که در این خانواده بود. برای همین الله تعالی فرمود: فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ.

اینگونه حکمت قرآن آشکار می‌شود چنانکه وقتی از بیرون آمدن [از عذاب] سخن گفت از ایمان یاد کرد و وقتی از وجود سخن گفت اسلام را یاد کرد» (مجموع الفتاوی: ۷/ ۴۷۲ ـ ۴۷۴).

و شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«الله تعالی در داستان لوط می‌فرماید:

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (٣٥) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ [ذاریات: ٣٥ ـ ٣٦]

(پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (٣٥) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم).

اینجا میان مومنان و مسلمانان تفاوت است؛ زیرا خانه‌ای که در آن قریه بود در ظاهر یک خانهٔ اهل اسلام بود زیرا زن لوط که با کفر به او خیانت کرد و خود بر کفر بود شامل این خانه می‌شد، اما کسانی که از آنجا بیرون آورده شده و نجات یافتند مومنان حقیقی بودند که ایمان به دلهایشان راه یافته بود» (مجموع فتاوی ورسائل العثیمین: ١/ ٤٧ ـ ٤٩).

والله اعلم